

یک تصویر، یک دنیا معنا



اگر فکر میکنید که اینها دارند قسم میخورند، در اشتباهید ...
اگر فکر میکنید که تسبیح یکی از اینها پاره شده و دیگران در پیدا کردن دانه ها کمک میکنند، در اشتباهید...
اگر فکر میکنید اینها برای سید الشهداء گریه و زاری میکنند باز هم در اشتباهید...
نمیدانم اسمش را احترام میگذارید، چاپلوس و تملق و یا خر حساب کردن خود در مقابل یک انسان دیگر ولی اینها :
بسجی اند و دارند مسیری را که رهبرشان تا محل ایراد سخنرانی پیموده را میبوسند...

اینکار یعنی هم تراز کردن یک انسان عادی با خداوند... اینکار یعنی بت پرستی مدرن...
فکر کنم این محمد، پیامبر اسلام بود که گفت: "انا بشر مثلکم" «من هم مثل شما انسانم»

نمیدونم چرا ولی یاد این شعر افتادم :

اگر من جای او بودم؛
همان یک لحظه اول،
که اول ظلم را می دیدم از مخلوق بی وجدان؛
جهان را با همه زیبایی و زشتی،
به روی یکدیگر، ویرانه می کردم .

عجب صبری خدا دارد !
اگر من جای او بودم؛
که در همسایه ی صدها گرسنه،
بزمی گرم عیش و نوش می دیدم،
نخستین نعره ی مستانه را خاموش آندم،
بر لب پیمانه می کردم .

عجب صبری خدا دارد !
اگر من جای او بودم؛
که می دیدم یکی عریان و لرزان؛
پوشیده از صد جامه ی رنگین؛
زمین و آسمان را،
واژگون، مستانه می کردم .

عجب صبری خدا دارد !
اگر من جای او بودم؛

نه طاعت مي پذيرفتم،
نه گوش از بهراستغفار اين بيدادگرها تيز کرده،
پاره پاره در کف زاهد نمايان،
تسبيح را صد دانه مي کردم .

عجب صبري خدا دارد !
اگر من جاي او بودم؛
براي خاطر تنها يکي مجنون صحراگرد بي سامان،
هزاران ليلي ناز آفرين را کو به کو،
آواره و ديوانه مي کردم .

عجب صبري خدا دارد !
اگر من جاي او بودم؛
به گرد شمع سوزان دل عشاق سرگردان،
سراپاي وجود بي وفا معشوق را،
پروانه مي کردم .

عجب صبري خدا دارد !
اگر من جاي او بودم؛
به عرش کبريائي، با همه صبز خدائي،
تا که مي ديدم عزيز نابجائي،

بر يک ناروا کرده خواري مي فروشد،
گردش اين چرخ را،
وارونه بي صبرانه مي کردم .

عجب صبري خدا دارد !
اگر من جاي او بودم؛
که مي ديدم مشوش عارف و عامي،

فتنه ي اين علم عالم سوز مردم کش،
به جز اندیشه عشق و وفا، معدوم هر فکري،
در اين دنياي پر افسانه مي کردم ..

عجب صبري خدا دارد !
چرا من جاي او باشم؛
همين بهتر که او خود جاي خود بنشسته و تاب تماشاي تمام زشتکاري هاي اين مخلوق را دارد !
وگر نه من به جاي او چو بودم،
يک نفس کي عادلانه سازشي،
با جاهل فرزانه مي کردم؛
عجب صبري خدا دارد! عجب صبري خدا دارد